



عبدالر سول خلیلی*

محمد مصدق با اجرائی کردن اندیشه ملی‌شدن صنعت نفت پرچمدار مبارزه اقتصادی با قدرت‌های استعماری است. او زعیم‌الشرق نام گذاشته شده و حتی عبدالناصر خیابانی را در قاهره به نام محمد مصدق نام نهاد که اکنون نیز به این نام خوانده می‌شود. مصدق اولین ایرانی است که در رشته حقوق به اخذ درجه دکترا نائل شده است. موضوع پایان‌نامه دکترای وی وصیت در فقه اسلام و مذهب شیعه بود. مصدق در سال ۱۲۹۳ خورشیدی به ایران بازگشت و به درخواست دکتر ولی‌الله خان نصر به تدریس در مدرسه علوم سیاسی تهران پرداخت. بازگشت مصدق به ایران با آغاز جنگ جهانی اول مصادف بود. در همین زمان هم به تالیف و نشر آثاری همچون کاپیتولاسیون و ایران، دستور در محاکم حقوقی و شرکت‌های سهامی در اروپا پرداخت و در نشر مجله حقوقی- اقتصادی علمی با شیخ محمدعلی طهرانی (کاتوزیان) و عده‌ای دیگر چون امیر سهام‌الدین غفاری و محمدعلی سالارمظعم مافی و یحیی‌خان اعتمادالدوله قراکزیو صالح لقمان فیروزمیرزا نصرت‌الدوله همکاری کرد. این مجله به مدت یک سال منتشر شد. پس از کودتای سوم اسفند با نگرش مقالات و سخنرانی در میان رجال به مخالفت با این کودتا پرداخت. دکتر مصدق دولت کودتا را به رسمیت نشناخت و از مقام خود مستعفی گشت و برای مصون‌ماندن از تعرض کودتاجیان به ایل بختیاری پناه برد و تا پایان سقوط کابینه سیدضیا، همهان خوانین بختیاری باقی ماند. در سال ۱۳۰۲ مصدق کتاب حقوق پارلمانی در ایران و اروپا را تألیف کرد. دکتر مصدق در دوره پنجم و ششم مجلس شورای ملی به وکالت مردم تهران انتخاب شد. با مطرح‌شدن طرح انقراض سلسله قاجاریه در مجلس، او از انسدک نمایندگانی بود که با این طرح مخالفت کرد. خلاصه استدلال او این بود که سردار سیه پس از این یا به موقعیتی که قانون اساسی برای پادشاه در نظر گرفته اکتفا می‌کند و کشور از خدمات او محروم می‌شود، یا تبدیل به یک حاکم مستبد خواهد شد و مشروطیت زیر سؤال خواهد رفت. با انقراض پادشاهی خاندان قاجار، رضاخان سردارسپه، نخست‌وزیر وقت، به شاهی رسید.

با پایان مجلس ششم و آغاز پادشاهی رضاشاه دکتر مصدق به علت ادامه مخالفت با دستگاه حاکمه رضاشاه خانه‌نشین شد و تا سال ۱۳۱۹ در خانه شخصی‌اش زیر نظر بود و حتی از تدریس در دانشکده منع شد. در اواخر سلطنت رضاشاه به زندان افتاد ولی پس از چندماه با وساطت ارنتس برون دوست ولیعهد آزاد شد و زیر نظر در ملک خود در احمدآباد مجبور به سکونت شد. در سال ۱۳۲۰ پس از اشغال ایران به‌وسیله نیروهای شوروی و بریتانیا، رضاشاه از پادشاهی برکنار و به آفریقای جنوبی تبعید شد و دکتر مصدق از احمدآباد به تهران برگشت. ازجمله سیاست‌های دولت دکتر مصدق در نخست‌وزیری دوم او می‌توان به:

۱) اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه به وسیله تقلیل در مخارج و برقراری مالیات‌های مستقیم و در صورت لزوم مالیات‌های غیرمستقیم
۲) اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی و بانکی
۳) بهره‌برداری از معادن نفت کشور، اشاره کرد. از دیگر خدمات او موارد زیر است:
موارنه منفی (قانونی برای ندادن هیچ امتیازی به دولت‌های استعماری روسیه و انگلیس) در زمان وکالت در مجلس چهاردهم، ملی‌شدن شیلات و کشتی‌رانی در زمان وکالت در مجلس چهاردهم، ملی‌شدن صنعت نفت ایران (اکتشاف، استخراج و بازرگانی) در زمان وکالت در مجلس شانزدهم، اجرای قانون خلع ید از انگلیسی‌ها در صنایع نفت ایران در زمان نخست‌وزیری، ملی‌شدن معابرات در زمان نخست‌وزیری، تأسیس بندر آزاد در بوشهر در زمان نخست‌وزیری، لایحه مجازات دادن پاسخ خلاف واقع (مجازات دروغ‌گویی) در زمان نخست‌وزیری، قانون استقلال کانون وکلای تأسیس سازمان مرشد‌برداری، قانون صدور چک و ایجاد سازمان تربیت‌بدنی و پیشاهنگی ایران.

ازجمله طرح‌ها و لوایحی که از سوی دولت دکتر مصدق تهیه شده است می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- لغو دادگاه‌های نظامی
۲- قانون دادرسی و کفیر ارتش و متمم آن
۳- لایحه قانون کار و تشکیل بیمه‌های اجتماعی
۴- قانون بازنشستگی کشوری
۵- لایحه تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۶- قانون استقلال شهرداری‌ها
۷- اصلاح قانون مطبوعات
۸- لایحه سد سفیدرود
۹- قانون تشکیل اتای بازرگانی
۱۰- قانون تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی
۱۱- لایحه بانک توسعه صادرات
۱۲- تشکیل شورای عالی فرهنگ
۱۳- لایحه و متمم قانون وصول مطالبات غیر مالیاتی دولت
۱۴-لایحه الغای عوارض در دهاات
۱۵- قانون بنگاه عمران کشور
۱۶-لایحه تشکیل پلیس گمرک

برخی از این طرح‌ها از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ساخت سد سفیدرود و بانک توسعه صادرات در سال‌های بعد عملیاتی شدند و برخی دیگر نیز از جمله اصلاحات حقوقی و قضائی که در دوران مصدق انجام شده بود، دلارندگن پس از سرنگونی دولت او، ملغی شدند.

اقتصاد بدون نفت

سیاست‌های اقتصادی دولت دکتر مصدق به‌طورکلی به دو قسمت تقسیم می‌شود: نخست، چهار ماه اول حکومت او که از اردیبهشت ۱۳۰۲ تا پایان مرداد آن سال است و به بازگشت از سفر آمریکا و شرکت در جلسه



سال‌های طلایی اقتصاد زیر سایه محمد مصدق

اقتصاد منهای نفت

شد تا صرف سرمایه‌گذاری و صنعت و کشاورزی کشور شود که از طرفی موجب رونق بازار و بالا رفتن تقاضا می‌شد و از طرف دیگر عرضه را نیز افزایش نمی‌داد و نمی‌گذاشت موجب تورم شود. باقی‌مانده این مبلغ و بخشی از ذخیره ناچیز ارزی کشور صرف واردات لوازم و کالاهای غیرضروری می‌شد. اما به‌سریعت با وخیم‌شدن وضع اقتصادی کشور دولت ناچار به تغییر سیاست‌های اقتصادی خود شد و از اواخر مرداد تا اواخر آذر یک سیاست اقتصادی مناسب با منافع ملی کشور ترسیم کرد که رئوس این سیاست‌ها به شرح زیر است.

۱- تشویق صادرات و محدودکردن واردات غیرضروری:
در گام نخست یک سیاست انقباضی در مورد واردات کالاهای غیرضروری در دستور کار دولت ملی قرار گرفت؛ از چهار شهریور ۱۳۳۰ مقرر شد که دولت فقط برای کالاهای بسیار ضروری همچون قند، دارو، نساجی و لوازم صنعتی به نرخ رسمی ارز بفروشد (به اضافه ۲/۲۵ ریال بهای گواهینامه صادرات). همچنین بانک‌های دولتی از فروش ارز برای کالاهای غیرضروری تصفیه اسناد آنها خودداری کردند.

مهم‌ترین دستاورد این سیاست آن بود که واردکنندگان کالاهای غیرضروری مجبور بودند ارز لازم را از بازار آزاد و با قیمتی بالاتر از نرخ رسمی تهیه کنند که این نیز موجب بالا رفتن قیمت واردات این نوع کالاها شد و تا حدودی در ورود آنها وقفه به وجود آمد و این وقفه خود باعث ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا برای این کالاها شد و بخشی از رکود بازار به دلیل انباشت کالاهای غیرضروری کاسته شد. از سوی دیگر صادرکنندگان نیز به دلیل آن که تفاوت قیمتی در بازار حاصل شده بود، گواهینامه‌های ارزی خود را در بازار به فروش می‌رساندند.

نتیجه این سیاست تکپویی بیشتر صادرکنندگان برای یافتن بازارهای جدید صادراتی و افزایش حجم صادرات شد که نتایج آن در جدول زیر مشاهده می‌شود:

همین‌طور که در جدول بالا آمده است موازنه ارزش صادرات و واردات چه پیش از دولت مصدق و چه پس از آن، همواره منفی بوده است و تنها در سه سالی که مصدق زمامداری دولت را در دست داشته، این موازنه مثبت شده است که عملکرد مثبت اقتصادی این دولت را نشان می‌دهد.

۲- تهیه ارز لازم وتعال موازنه پرداخت‌ها:

دولت مصدق در تهیه ارز به دو نکته توجه می‌کرد؛ اولاً تا آنجایی که ممکن است از امکانات داخلی استفاده کند. ثانیاً در صورت ضرورت استفاده از منابع خارجی زیر بار شرایط اسارت‌بار نرود. در این راستا دولت چند کار انجام داد:

تصویب رساندن که به دولت اجازه می‌داد ۱۴ میلیون لیره از ارز موجود در حساب پشتوانه ارزی را جهت رفع مضمیقۀ ارزی کشور مصرف کند. نزدیک به نیمی از این مبلغ یعنی ۶۰۰ میلیون ریال صرف افزایش سرمایه بانک کشاورزی (۱۰۰ میلیون ریال) و وام به سازمان برنامه و بودجه (۵۰۰ میلیون ریال)		
--	--	--

سال	تولیدات گندم(هزار تن)	تولید برخی غلات در دولت دکتر مصدق
۱۳۲۹	۲۲۸۷	۵۸۴
۱۳۳۰	۲۲۶۶	۳۵۹
۱۳۳۱	۲۷۷۱	۵۴۱
۱۳۳۲	۲۸۰۰	۶۵۸
۱۳۳۳	۲۵۵۴	۵۲۸

قیمت برخی کالاهای اساسی در دوره دولت دکتر مصدق					
کالاهای اساسی	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	افزایش بها نسبت به ۱۳۲۹ (درصد)
عدس (۱۰۰ کیلوگرم)	۱۲۵۰	۸۵۰	۷۲۰	۸۰۰	۳۶-
پیاز (۱۰۰ کیلوگرم)	۳۵۰	۳۲۰	۴۰۰	۴۰۰	۱۱+
کره (یک کیلوگرم)	۶۵	۹۰	۹۰	۹۰	۳۶+
برنج دم‌سياه (یک کیلوگرم)	۲۳	۲۰	۲۰	۲۰	۱۵-
چای معمولی (یک کیلوگرم)	۴۰	۴۰	۳۰	۳۰	۲۵-
پنبیر تبریز (یک کیلوگرم)	۴۵	۴۰	۴۰	۴۰	۱۱-
پارچه چیت (یک متر)	۱۸	۱۷	۱۷/۵	۱۷	۵/۵-

اقتصاد

۴-کوشش برای مهارکردن تورم:

نرخ تورم در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق نیز بنابر شواهد و عملکرد اقتصادی او رشد چندانی نداشته است، زیرا از یک سو موازنه بازرگانی خارجی یعنی افزایش صادرات و کاهش واردات غیرضروری و از سوی دیگر موازنه پرداخت‌ها بدون اتکا به درآمد نفت در دستور کار قرار داشت؛ شکست رکود بازار و راه‌اندازی مجدد کارخانه‌ها و افزایش چشمگیر تولیدات کشاورزی نیز ازجمله دلایل مهار تورم است و مهم‌تر از همه آنکه دولت تا ۱۸ ماه نخست حکومت خود حجم اسکناس در گردش را تغییر نداد و حتی زمانی که استقراض از بانک ملی به مبلغ ۲۱۲ میلیون تومان را در دستور کار قرار داد پس از مشورت با کارشناسان زنده اقتصادی (دکتر شاخت و کامی‌کوت) و اطمینان از اینکه با توجه به حجم تولید و عرضه کالا در بازار آن را تورم‌زا تشخیص ندادند، اقدام به این کار کرد.

آمارهای موجود ارائه‌شده نشان می‌دهد در طول مدت دولت دکتر مصدق هزینه مسکن و پوشاک کاهش یافته و نرخ تورم چندان افزایش نیافت. او با تصویب قوانینی همچون قانون «کمک ترمیم حقوق دبیران و آموزگاران» (مصوب ۱۲ خرداد ۱۳۳۰) و قانون «اضافه حقوق مستخدمین جزء دون‌پایه» (مصوب ۱۵ اسفند ۱۳۳۱) سعی در بهبود وضعیت اقتصادی اقشار فرودست جامعه نیز داشته است.

۵- گسترش و بهبود کشاورزی:

در دوران ۲۸ ماهه حکومت دولت مصدق در مجموع ۵۵۳ میلیون تومان شامل ۱۲۶ میلیون تومان دریافتی از بانک ملی بابت قیمت ۱۴ میلیون لیره، ۶۵ میلیون تومان بابت استقراض از صندوق بین‌المللی پول، ۵۰ میلیون تومان بابت قرضه ملی و ۳۱۲ میلیون تومان بابت نشر اسکناس خارج از درآمدهای دولت به خزانه واریز شد که حدود ۲۵۰ میلیون تومان آن برای کسری بودجه شرکت ملی نفت به آبادان فرستاده شد و باقیمانده برای سرمایه بانک کشاورزی، رهنی، شرکت تلفن، بانک توسعه صادرات، وام به شهرداری‌های ایران و آبادی شهرها، لوله‌کشی و برق به شهرداری تهران و کمک به کارخانچاتی که بدون کمک دولت نمی‌توانستند به کار ادامه دهند و مساعدت برای کشت توتون و پنبه و چغندر و ساختمان انبار دخانیات هزینه شد.

با توجه به اینکه عمده اقلام صادراتی ایران در این سال‌ها محصولات کشاورزی و دامی بوده است، تزریق بودجه مزبور در بخش کشاورزی عاملی برای رونق کشاورزی و افزایش تولید و به تبع آن افزایش صادرات این محصولات شد و نرخ تورم را هم متعادل نگه داشت. تصویب لوایحی مانند لایحه «انتقال املاک و خالصجات دولتی به وزارت کشاورزی» و لایحه «الغای عوارض در دهات» و لایحه «زداده سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی» و بازستاندن املاک غصب‌شده از سوی رضاشاه از جمله سایر اقدامات دکتر مصدق در زمینه کشاورزی بود.سایر اقدامات دولت دکتر مصدق در بخش عمرانی را می‌توان کوشش برای بازگشایی کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی تعطیل‌شده یا در حال رکود، تخصیص بخش عمده‌ای از ۵۰۰ میلیون ریال حاصل از انتشار اوراق قرضه ملی به‌کارهای عمرانی مانند حفر تونل کوهرنگ و ادامه عملیات ساختمانی سه سد دیگر و آغاز کارشش سد در استان‌های مختلف، و گسترش بهره‌برداری از معادن دانست.

دکتر مصدق در «خطرات و تالمات» چنین می‌نویسد که ماماهای قبل از تصدی در هر ساء دو میلیون لیره به سازمان برنامه می‌رسید که بعد از تشکیل دولت این جانب قطع شد و اولین روز تشکیل دولت این جانب یعنی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰، موجودی نقد خزانه‌داری کل، حدود ۵۲ میلیون ریال و موجودی نقد سازمان برنامه دوهزارو ۸۰۰ ریال بود که چند روز بعد از ملی‌شدن صنعت نفت یکی از مدیران ایران و مؤثر شرکت نفت انگلیس و ایران به من گفت اگر دولت توانست یک ماه مملکت را بدون ناهمواری و انحای موجود در ریل و نیز دستیابی به استانداردهای کیفیت است به‌نجوکی که ریل‌ها پس از نورد به قسمت ماشین‌های صافکاری و تست به‌منظور یافتن عیوب احتمالی سپس چندین هدایت می‌شوند. سپس چندین عملیات طبق نظر و سفارش مشتری از قبیل سوراخ‌کاری، سخت‌کاری سطحی و خم‌کاری انجام می‌گیرد. کشورها پیشرفت از طریق پروژه‌های توسعه خط ریل و ریخته‌گری نزدیک به شکل نهایی و متناسب با شرایط و نیاز بازار خط تولید ریل خود را توسعه می‌دهند. این پروژه‌های توسعه‌ای به هدف گسترش میزان بهره‌وری بالاتر، ارتقای سطح کیفی و انعطاف‌پذیری بیشتر اجرا می‌شوند. به دلیل مزایا و سودآوری بالا در شبکه ریلی (باربری- مسافری) میزان تقاضای تولید ریل در ایران زیاد است. براساس اخبار درج‌شده شد، در جرابید، یکی از کارخانه‌های تولید فولاد ایران عهده‌دار تولید ریل در ایران شده و ریل تولیدی این کارخانه به‌دلیل مجهزبودن به تجهیزات پیشرفته، سازگاری کامل با شرایط و استانداردهای کیفی جهانی خواهد داشت و به‌طور مستقیم دیوبیکر اوپک نرگاه داده است که همراه با جهان سلطه می‌تواند هرگاه که بخواد خرید نفت از کشور معینی را تحریم کند. بنابراین موازن کردن تولید ملی در رشته‌های گوناگون صنعتی و کشاورزی و پی‌ریزی اقتصاد چنم‌محصولی و مقاومتی، واج‌ب‌ترین کار اقتصاد ایران است. دکتر مصدق در راستای اداره‌کردن اقتصاد کشور به شیوه حذف نفت در راستای فعالیت‌های استعمارازدایی، اقتصاد مقاومتی را دنبال می‌کرد.

***استاد دانشگاه و کارشناس اقتصاد**

نگاه

پیشروهای صنعت ریل‌سازی جهان



عباسعلی سبکتکین*

در طول چندسال اخیر، دولت ایران نسبت به توسعه سیستم حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه سیستم ریلی با سرعت‌های بالا مصرانه راه توسعه صنعت ریل در ایران بوده است. با نگاهی به صنعت جهانی ریل، آمریکا، آلمان، اسپانیا، ژاپن و چین بیش‌ترین کشورهای حوزه حمل‌ونقل ریلی در دنیا هستند که می‌توانند تجربه ارزشمندی برای ایران تلقی شوند. در این کشورها حداقل نیم‌میلیون نفر در زمینه ساخت و تولید وسایل نقلیه ریلی مشغول به کار هستند. فراهم‌سازی شرایط ساخت و تولید ریل در ایران به ظرفیت بازارهای داخلی ریل و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در این حوزه و حتی زیرساخت‌های ترانزیت در ایران بستگی دارد و مطمئناً سرمایه‌گذاری در این بخش، اشتغال‌زایی عمده‌ای برای این صنعت و صنایع مرتبط با آن به‌همراه دارد. بر اساس مستندات، بسیاری از کشورهای آمریکای‌شمالی، اروپا و آسیا، سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری بسیار مهم و مؤثری را در حوزه صنعت ریل از طریق تولید ناخالص ملی یا درنظرگرفتن تراکم جمعیتی انجام داده‌اند. چین و سوئیس در مقایسه با دیگر کشورها و متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی خود، درصد بالایی از تولید ناخالص داخلی خود را به این صنعت اختصاص داده‌اند. ساخت و تولید ریل در کشورهای پیشرفته از جمله آلمان در چهار مرحله صورت می‌گیرد: تولید فولاد مذاب، ریخته‌گری مداوم فولاد، فرایند نورد به‌منظور شکل‌دهی مقطع ریل و مرحله نهایی شامل خنک‌کاری، صافکاری و برش‌کاری به‌منظور تولید ریل در طول موردنظر و بازرسی نهایی. افزایش ترافیک ریلی، بارهای محوری بزرگ‌تر و سرعت‌های بالاتر، فشار و بارگذاری روی ریل‌ها را بیشتر کرده است. بنابراین به‌منظور حصول اطمینان از ساخت و تولید ریل در ایران و تأمین نیازهای بازار، با توجه به موجودبودن زیرساخت‌ها در ایران فرایندهای بسیار مهم خط تولید ریل شامل مراحل زیر خواهد بود: فرایند نهایی و کنترل کیفیت. مرحله نهایی به‌منظور برطرف‌کردن ناهمواری و انحای موجود در ریل و نیز دستیابی به استانداردهای کیفیت است به‌نجوکی که ریل‌ها پس از نورد به قسمت ماشین‌های صافکاری و تست به‌منظور یافتن عیوب احتمالی سپس چندین هدایت می‌شوند. سپس چندین عملیات طبق نظر و سفارش مشتری از قبیل سوراخ‌کاری، سخت‌کاری سطحی و خم‌کاری انجام می‌گیرد. کشورها پیشرفت از طریق پروژه‌های توسعه خط ریل و ریخته‌گری نزدیک به شکل نهایی و متناسب با شرایط و نیاز بازار خط تولید ریل خود را توسعه می‌دهند. این پروژه‌های توسعه‌ای به هدف گسترش میزان بهره‌وری بالاتر، ارتقای سطح کیفی و انعطاف‌پذیری بیشتر اجرا می‌شوند. به دلیل مزایا و سودآوری بالا در شبکه ریلی (باربری- مسافری) میزان تقاضای تولید ریل در ایران زیاد است. براساس اخبار درج‌شده شد، در جرابید، یکی از کارخانه‌های تولید فولاد ایران عهده‌دار تولید ریل در ایران شده و ریل تولیدی این کارخانه به‌دلیل مجهزبودن به تجهیزات پیشرفته، سازگاری کامل با شرایط و استانداردهای کیفی جهانی خواهد داشت و به‌طور مستقیم دیوبیکر اوپک نرگاه داده است که همراه با جهان سلطه می‌تواند هرگاه که بخواد خرید نفت از کشور معینی را تحریم کند. بنابراین موازن کردن تولید ملی در رشته‌های گوناگون صنعتی و کشاورزی و پی‌ریزی اقتصاد چنم‌محصولی و مقاومتی، واج‌ب‌ترین کار اقتصاد ایران است. دکتر مصدق در راستای اداره‌کردن اقتصاد کشور به شیوه حذف نفت در راستای فعالیت‌های استعمارازدایی، اقتصاد مقاومتی را دنبال می‌کرد.

***دکترای مهندسی مکانیک**

سال سیزدهم • شماره ۲۳۸۰ روزنامه شت

نکته

توهم قدرت در دولت بارانت نفت

هدایت توکلی، پژوهشگر حوزه انرژی

نفت و درآمدهای نفتی، در طول دهه‌های گذشته جایگاه بسیار مهمی را در اقتصاد و سیاست ایران به خود اختصاص داده است. از یک طرف اقتصاد ایران به نحو گسترده‌ای به درآمدهای نفتی وابسته شده است و این وابستگی به‌ویژه با توجه به پایان‌پذیری ذخایر نفتی، در بلندمدت برای امنیت ملی و منافع کل نظام یک تهدید بالقوه است؛ از طرف دیگر، جدای از بحث وابستگی، اگر نفت و درآمدهای نفتی به نحو بهینه مدیریت نشود، می‌تواند به جای یک فرصت، به یک تهدید جدی برای ثبات، رشد و توسعه اقتصادی کشور تبدیل شود و در کارکرد بهینه اقتصاد کشور ایجاد اختلال کند.

تعداد زیادی از کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، عملکرد ضعیف‌تری نسبت به کشورهای فقیر از لحاظ منابع طبیعی، در زمینه فرایند رشد و توسعه اقتصادی و کاهش فقر داشته‌اند. موضوع عملکرد اقتصادی ضعیف کشورهای دارای منابع طبیعی غنی در ادبیات اقتصادی، اخیراً به‌عنوان فرضیه «نفرین منابع» معرفی و شناخته شده است. نفت به‌خودی‌خود نه یک نفرین است و نه یک موهبت، بلکه می‌تواند بدل به یک موهبت یا یک نفرین شود؛ آنچه سبب می‌شود نفت بدل به یک نفرین یا موهبت شود، نحوه مدیریت، توزیع و تخصیص درآمدهای نفتی در اقتصاد یک کشور است. برای مثال، دو کشور آلمان و مغولستان را در نظر بگیرید که امروز در هر دو کشور منابع نفتی یافت می‌شود، با توجه به زیرساخت‌های موجود و برنامه‌ریزی کشورها، مشخص است پیدا شدن نفت در کشوری مانند مغولستان جز دست‌دادن بقیه منابع موجود در کشور، عاید دیگری نخواهد داشت و به‌خطر مبتون بودن منابع جدید، کشور به سمت استفاده‌های ناچجا از انرژی و برنامه‌ریزی‌های جدید روی منابع عظیم مجانی خواهد رفت، اما برای کشور پیشرفته آلمان، نگاه به منابع و نحوه مصرف آن، جهت صحیح به‌کارگیری منابع نفتی با برنامه‌ریزی مشخص خواهد بود و راه صحیح استفاده از آن نیز در این کشور یافت خواهد شد که در نه‌بایست به افزایش درآمد ناخالص آلمان می‌انجامد. همواره هرچه دولتی ناکارآمدتر بوده، درآمد نفتی بالاتری داشته است. میزان اثر مستقیم قیمت نفت بر سهم هزینه نفت در درآمد ملی کشور، به درجه وابستگی به نفت وارداتی و توانایی کاربران نهایی برای کاهش مصرف خود و تعویض سوخت مصرفی از نفت به سایر سوخت‌ها بستگی دارد. نتایج شبیه‌سازی تداوم قیمت‌های بالای نفت برای کشورهای OECD و نیز غیر OECD، حاکی از آن است طبق روال گذشته، خاص اثرات بر اقتصاد جهان، منفی خواهد بود. به این معنا که حداقل در اولین دو دومین سال پس از افزایش قیمت تحرکات اقتصادی به واسطه عواید حاصل از صادرات نفت (و گاز) در کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای صادرکننده نفت، کمتر از اثرات رکودی قیمت‌های بالا بر فعالیت اقتصادی کشورهای واردکننده است. رانت عظیم حاصل از نفت، منجر به ایجاد توهم قدرت در دولت خواهد شد که ضعف نزدیک‌بینی در تصمیم‌گیران مختل شده و ثروت، ذهنیت نفتی سیاسی را تشدید خواهد کرد. به‌طوری‌که مسیر توسعه کشور به وسیله یک منبع عظیم بادآورده منتهی به رضایت‌مندی در میان تصمیم‌گیران سیاسی خواهد شد و درنه‌بایست منجر به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بدون تفکر همراه با تنوع اقتصادی ناکافی خواهد شد. با توجه به نحوه مدیریت منابع نفتی، حالت‌های زیر برای مصرف آن در نظر گرفته می‌شود:

۱- جذب درآمد نفت به‌عنوان درآمد دولت و درنتیجه توزیع، تخصیص و هزینه آن از طریق فرایندهای حاکم بر عملکرد بودجه دولت
۲- توقف صادرات نفت، استخراج منابع نفت برای تأمین ظرفیت داخل و نگهداری مابقی آن برای نسل‌های آینده و درنتیجه منتفی‌شدن مسئله توزیع، تخصیص و هزینه درآمد‌های ارزی حاصل از نفت
۳- توزیع مستقیم و برابر درآمد نفت میان مردم و درنتیجه توزیع، تخصیص و هزینه آن از طریق فرایندهای حاکم بر عملکرد تصمیمات اقتصادی مردم

۴- جذب درآمد نفت در نوعی صندوق و درنتیجه توزیع، تخصیص و هزینه آن از طریق فرایندهای حاکم بر عملکرد صندوق. (شرایط استفاده از درآمد‌های نفت).

برنامه‌ریزی این‌چنینی، منجر به وابستگی بیش‌ازپیش دولت به درآمد‌های نفتی و کاهش اقتدار و توان دولت می‌شود. ارزش‌گذاری بازار بین‌المللی سرمایه برآم و بد‌هی‌های کشورهای واردکننده نفت به صورت نزولی و در مورد کشورهای صادرکننده نفت به صورت صعودی تعدیل خواهد شد تا حدی که ارزیابی اعتباری بعضی از کشورهای واردکننده که قبلاً دارای کسری حساب جاری بالایی بودند، مورد سؤال قرار گرفته و منجر به فشارهای صعودی بر نرخ‌های بهره می‌شود. سیاست‌های انقباضی پول برای جلوگیری از تورم نیز بر این فشار اضافه خواهد شد. نرخ‌های ارز نیز به اندازه تغییرات تجاری تعدیل شده و قیمت‌های بالای نفت منجر به افزایش ارزش دلار آمریکا قسمتی از درآمد بادآورده خود را به دلار آمریکا سرمایه‌گذاری کنند و تقاضای عملاماتی برای دلار افزایش یابد. دلار قوی هزینه بازپرداخت بد‌هی خارجی کشورهای در حال توسعه وارکننده نفت را افزایش خواهد داد، زیرا این بد‌هی‌ها به دلار آمریکا هستند و درنتیجه واکمیت اوضاع اقتصادی ناشی از قیمت‌های بالای نفت تشدید خواهد شد، به دلیل پایین‌بودن کنش قیمتی تقاضا برای نفت، قیمت‌های بالای نفت موجب افزایش هزینه واردات نفت حداقل در کوتاه‌مدت خواهد شد. از طرفی تولیدات نفت شیل آمریکا بازار نفت را با خطر جدی مواجه کرده که نه‌تنها نفت کشور تقاضا شده است، بلکه انتظار می‌رود سال‌های آتی این نوع نفت نیز به عرضه‌های جهانی افزوده شود و با تحقق این امر، انتظار صعود قیمتی نفت در کوتاه‌مدت بعید به‌نظر می‌رسد. البته تولید این نوع نفت موجب دگرگونی اساسی در صنعت نفت خواهد شد که به بیان ساده، می‌توان گفت نفت می‌رود تا به‌جای یک کالای استخراجی و تولید معدنی، به یک کالای تولیدی صنعتی تبدیل شود. تفاوت نفت به‌عنوان یک کالای استخراجی و نفت به‌عنوان یک کالای صنعتی، در این است که در حالت اول میزان ذخیره، فشار فورانی و موقعیت محلی نسبت به بازار، تعیین‌کننده قیمت تمام‌شده است و در حالت دوم کار و تکنولوژی تولیدی استفاده شده و چه‌سای در سال‌های آتی با پیشرفت این نوع تکنولوژی شاهد کاهش بیشتر قیمت نفت نیز باشیم. سرشمه افزایش قیمت‌ها مهم است. برای مثال، شوک در عرضه نفت مستقیم، اشتغال‌زایی بیشتری را بر رشد جهانی وارد می‌آورد تا افزایش قیمت‌ها بر اثر افزایش تقاضا. بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد در شرایط فعلی نه‌تنها نمی‌توان افق مثتی برای قیمت‌های نفت متصور شد، بلکه چه‌سای شاهد نزول بیشتر نفت در ماه‌های آتی نیز باشیم. با توجه به اینکه انتظار نمی‌رود دلایل غالب بر نزول قیمتی نفت در کوتاه‌مدت قابل برطرف‌شدن باشد، نزول‌های بیشتر قیمت نفت نیز بعید نخواهد بود.